

گونه‌شناسی بافت‌های روستاشهری؛ گام نخست در چشم‌اندازسازی روستاشهرها (مطالعه موردی گونه‌شناسی: بافت‌های روستاشهری یزد)

رضا اکبری* - مربی دانشگاه یزد، دانشکده هنر و معماری، گروه شهرسازی، یزد، ایران
مسعود قادریان - دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۹/۲۷ تأیید نهایی: ۱۳۹۲/۰۴/۱۶

چکیده

همزمان با رشد برون‌زای بافت‌های شهری به سوی روستاها و مراکز زیستی پیرامونی، علاوه بر بافت‌های مرکزی شهرها، روستاهای الحاقی نیز در جریان توسعه با جایگزینی جمعیت، نیل به حاشیه‌نشینی دارند و بافت‌های جدید مسئله‌دار شهری با ماهیت روستایی پدید می‌آیند. روستاها در جریان این الحاق مهلت سازگاری و تطابق و در یک کلمه، شهری شدن ندارند و این آغازگر مسئله در دو بستر متفاوت، یعنی شهر و روستاهای الحاقی به شهر است. به واسطه گستردگی این نوع الحاق‌ها، پژوهش در زمینه چرایی و چگونگی پیدایش بافت‌های روستاشهری و بیان پیشینه و رویکردهای گوناگون نسبت به این گونه بافت‌ها دارای ضرورت موضوعی، موضعی و زمانی است. برای امکان ارائه رهیافت‌هایی برای چشم‌اندازسازی بافت‌های روستاشهری، گونه‌بندی بافت‌های روستایی الحاقی گام نخست است. این نوشتار با هدف تعریف مبنایی برای گونه‌شناسی بافت‌های روستاشهری، با استفاده از روش پژوهش اکتشافی - توسعه‌ای؛ اصول راپاپورت برای قاعده‌مندسازی گونه‌شناسی، از جمله به کارگیری شاخص‌های متعدد (گونه‌شناسی چندشاخصه‌ای)، پرهیز از تشخیص گونه ایده‌آل و خالص و انتخاب معقولانه شاخص‌ها و تعمیم نظریه شکل شهری لینچ را مبنا قرار داده و رفتار روستا و شهر را در جریان الحاق ۱۵ نمونه روستای الحاقی به شهر یزد پی جسته است. پس از دسته‌بندی محورهای منتج از بررسی ماهوی این بافت‌ها، با استفاده از روش پژوهش تطبیقی در سه گونه کالبدی (ترکیبی، خطی و فشرده طبیعت محور، ترکیبی، خطی و فشرده انسان ساخت)، موقعیت‌شناسی (اقماری فرودست و فرادست، پیوسته فرودست و فرادست، درونی فرودست و فرادست) و هویت انسانی (اقتصادمحور، مذهب‌محور و قومیت محور) طبقه‌بندی شدند و مبنای گونه‌بندی، ۱۵ بافت روستایی الحاقی به شهر یزد قرار گرفت.

کلیدواژه: بافت، بافت‌های روستاشهری، چشم‌اندازسازی، شکل روستاشهری، گونه‌شناسی.

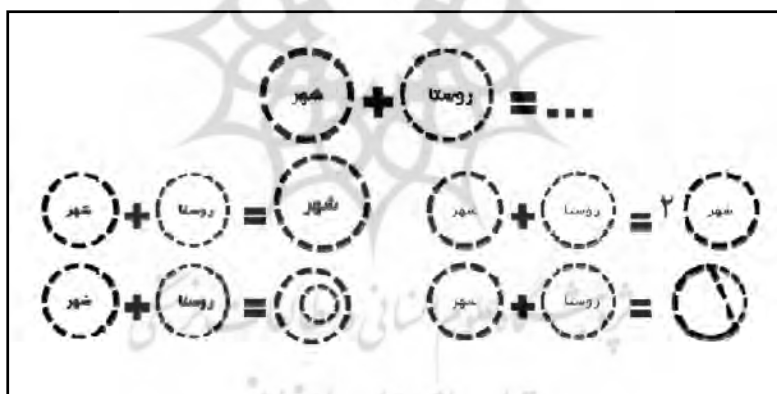
مقدمه

آنچه در این نوشتار به بحث گذاشته خواهد شد، لکه‌های شهری در بافت بیرونی مسئله‌دار متأثر از الحاق روستاها به شهر در جریان توسعه برون‌زای شهر خواهد بود. این پهنه‌ها در حقیقت بسترهایی با نبود یا کمبود خدمات رفاهی و زیربنایی، رواج سوداگری زمین، گسترش استفاده غیر رسمی/غیر قانونی از منابع طبیعی، تغییر ساختار کاربرد زمین و نیز مشکل نارسایی سازمانی، شامل یکپارچه‌نبودن ساختار سازمانی با بافت‌های شهری، تلاقی نهادهای همپوش دارای کارکرد بخشی و ناهماهنگی درون و بین سازمانی بافت‌های روستاشهری خواهند بود.

این مقاله در پی درک ماهیت بافت‌های روستاشهری^۱ روستایی در دل شهر...! روستایی در کنار شهر...! یا روستایی

که شهری شده... پاسخگویی به سؤالات زیر را مد نظر خواهد داشت:

آیا تشابهاتی در شکل و ریخت بافت‌های روستاشهری وجود دارد؟ آیا این تشابهات صرفاً در حوزه کالبدی است یا می‌توان رگه‌هایی از آن را در موضوعات اجتماعی و اقتصادی نیز دنبال کرد؟ در رابطه با تفاوت‌های آنها چطور؟ آیا اساساً امکان دسته‌بندی بافت‌های روستاشهرها در گونه‌هایی معین و مشخص وجود دارد؟ تا چه حد این گونه‌بندی می‌تواند در برگزیده رفتار بافت‌های روستاشهری از مرحله پیدایش تا جذب کامل در شهرها باشد؟



شکل ۱. فرضیه‌های اولیه در رابطه با بافت‌های روستاشهری

منبع: نگارندگان

ضرورت پرداختن به بافت‌های روستاشهری در امکان نگرش با دو رویکرد متمایزی چون، بافت‌های فرسوده در توسعه پایدار شهری یا با هدف بهره‌مندی از امکانات و فرصت‌های شهری در کنار پتانسیل‌ها و نقاط قوت روستایی نهفته است. در رویکرد نخست ضرورت رسیدگی به یک معضل شهری بیان می‌شود و نگرانی‌های حاصل از بی‌توجهی به یک

۱. روستاشهر اصطلاحی است که در ادبیات برنامه‌ریزی روستایی و شهری تعریف مشخصی دارد. هر آنچه در این مقاله روستاشهر نامیده می‌شود، از یک سو در واقع پیراشهر یا حاشیه شهر (Urban Fringe, Rural-Urban Interface) است و با روستاشهر به معنای کلاسیک آن (به نقل از فریدمن و داگلاس) تفاوت دارد. از دیگر سو، موارد مطالعه به دلیل گسترش لجام‌گسیخته شهری، در حقیقت بخشی از شهر کنونی و حتی در مراکز آن استقرار یافته‌اند. لذا منظور از روستاشهر در این نوشتار در واقع روستاهای پیراشهری سابق هستند که امروزه به شهر پیوسته و محله‌هایی از شهر فعلی محسوب می‌شوند.

ضعف شهری را گوشزد می‌کند، اما در رویکرد دوم با نگاهی متفاوت‌تر به بافت‌های روستاشهری، از آنها با عنوان فرصت‌های شهری یاد می‌شود. با توجه به تعدد الحاق روستا به شهر و حاد شدن مسائل مرتبط برای شهر، ساکنان و مسئولان، ادامه این روند با رشد مضاعف کنونی، در سال‌های آینده به تخریب روستاها و حتی انحراف شهرها دامن خواهد زد که علاوه بر ضرورت موضوعی، ضرورت زمانی پرداختن به بافت‌های روستاشهری در این برهه زمانی را ایجاب می‌کند.

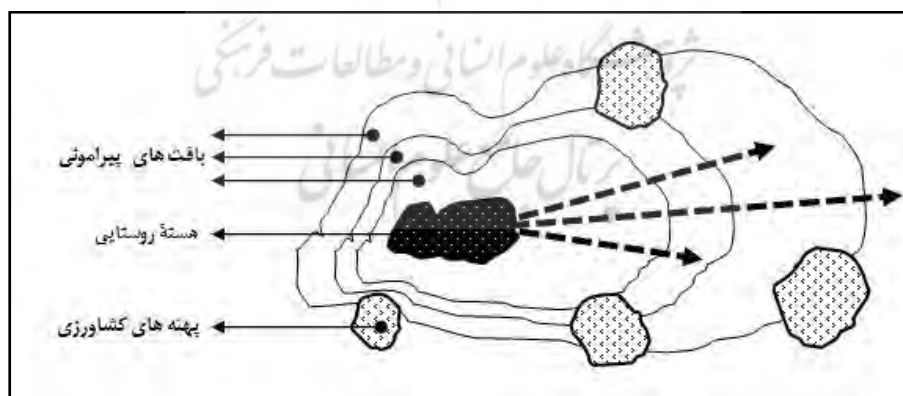
مبانی نظری

تعاریف و مفاهیم بافت‌های روستاشهری و روستاشهرها در ادبیات شهرسازی

الگوی کلی بافت‌های روستاشهری؛ یک روستای قدیمی با باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی وسیع اطراف آن، بستر فوق‌العاده مناسبی برای شکل‌گیری روستاشهر در دل شهر است. این گونه بافت‌های شهری متولد شده در دهه‌های اخیر، نه ویژگی‌های کامل روستایی، همچون انطباق‌پذیری و سازگاری با طبیعت و استقلال نسبی را در خود حفظ کرده‌اند و نه مزیت‌های یک شهر کامل را کسب کرده‌اند. در واقع به تأویلی، بافت روستاشهری پهنه‌ای است از شهر، سرشار از اغتشاش در روابط اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و

فارغ از تنوع موجود در بافت‌های روستاشهری، به‌طور کلی این بافت‌ها به سه بخش عمده تفکیک می‌شوند:

- هسته اولیه روستایی؛
- بافت‌های ثانویه پیرامونی؛
- زمین‌های کشاورزی به‌صورت پراکنده یا مجتمع.



شکل ۲. لایه‌شناسی بافت‌های روستاشهری در مسیر توسعه شهری

منبع: نگارندگان

وجه افتراق این بافت‌ها در میزان کنش با مادرشهر و به‌تبع آن، خصوصیات مورفولوژیک بافت پیرامونی و افزایش یا کاهش سطح آن، میزان تقویت یا تضعیف پیوندهای اجتماعی و اقتصادی روستایی و چگونگی ارتباط با شهر و نقش‌پذیری آن (خدماتی، خوابگاهی و...) است. بافت روستاشهری در واقع گونه‌ای از فرایند شهری شدن یک روستاست.

روستایی که به دلایلی چون شکل‌گیری و تقویت نهادهای اقتصادی و اجتماعی و افزایش جمعیت در یک سکونتگاه روستایی و قرار گرفتن در مرکزیت مبادلات، مراودات اجتماعی و اقتصادی در یک بستر جغرافیایی، می‌تواند به یک کانون یا نقطه شهری تبدیل شود. پیش از این نیز مشابه شکل بافت‌های روستاشهری - البته با فاصله از شهر و به صورت طراحی شده - در ایده‌های پیشگامانی چون ابنزرهاوارد با ایده باغ‌شهر، پاتریک گدس، پاتریک ابرکرومبی، داگلاس و فریدمن با ایده روستاشهر^۱ به‌منزله^۲ یادگزاره^۳ در برابر مسائل و مشکلات شهر صنعتی و مدرن مطرح شده بود. در واقع برخلاف تفکر رایج که فقط دو شیوه زندگی، زندگی شهری و زندگی روستایی وجود دارد، راه حل سوم نیز هست که مزایای زندگی فعال و پرانرژی شهری را با زیبایی و لذت زندگی روستایی همراه کند و می‌تواند در یک ترکیب کامل حفاظت شود. اما نگرش متخصصان رشته‌های مختلف شهری طی مطالعات شهری - روستایی به راه حل سوم، متمایز از هم و گوناگون بوده است. ضرورت پرداختن به این موضوع، نه از حیث تاریخچه مطالعات روستاشهری، بلکه آشنایی با رویکردهای متنوع در قبال بافت‌های روستاشهری است. هرچند بخش اعظمی از مطالعات در بررسی آثار شهرگرایی بر مناطق روستایی تا حد زیادی بر پراکندگی مراکز شهری و تبدیل زمین‌های کشاورزی (فروسه و پیرس، ۱۹۸۲؛ واکر، ۲۰۰۱) و الگوهای اسکان روستایی (بانس، ۱۹۸۲) متمرکز شده است؛ با گذشت زمان بخشی از این مطالعات کم‌کم متوجه مسائل بافت‌های روستاشهری می‌شوند. پیش از این بافت روستاشهری از دریچه مسئله شهری شناسایی و پی‌جویی می‌شد؛ در حالیکه اکنون همچون یک راه حل بدان نگریده می‌شود (برای مثال، مرکز توسعه منطقه‌ای سازمان ملل متحد (UNCRD) آن را راهبردی جدید در برنامه‌ریزی منطقه‌ای آسیا در نظر گرفته است).

جدول ۱. مفاهیم و اصول مرتبط با روستاشهرها

زمان	معرف	مفاهیم و اصول مرتبط با بافت‌های روستاشهری
۱۹۴۰-۱۹۵۰	برای اولین بار جغرافی‌دانان آمریکایی	اصطلاح «حاشیه شهری» ^۳ به‌منزله ^۲ «عرصه‌های در حال گذار» ^۴ بین شهر و روستا (سعیدی، ۱۳۸۷).
۱۹۵۰-۱۹۶۰	جامعه‌شناسی شهری، در کتاب هربرت گانس جامعه‌شناس آمریکایی	کاربرد اصطلاح «روستاییان شهری» (۱۹۶۲) برای نسل دوم آمریکاییان ایتالیایی‌تبار. بافت‌های روستاشهری: جوامع کوچک قومی در شهرهای بزرگ، به‌ویژه شهرهای جهانی کشورهای توسعه‌یافته سرمایه‌داری (احمدی، ۱۳۸۷ و سعیدی، ۱۳۸۷). همچنین او این واژه را درباره مهاجران بیگانه یا روستاییانی که با هم در داخل منطقه‌ای در شهر زندگی می‌کردند، به‌کار برده است. با این تلقی، در بافت‌های روستاشهری مردم آداب و رسوم و شیوه زندگی و گاه، زبان یکسانی دارند. بافت روستاشهری: منطقه‌ای از شهر است که برای مهاجران، غریبه‌ها و بیگانه‌ها امکان سازش‌پذیری یا زندگی و فرهنگ شهر مد نظر را به سرعت فراهم می‌آورد (شکویی، ۱۳۸۰).

1. Urban village
2. Antithesis
3. Urban Fringe
4. Transition Zones

ادامه جدول ۱.

زمان	معرف	مفاهیم و اصول مرتبط با بافت‌های روستاشهری
۱۹۷۰-۱۹۸۰	جغرافی‌دانان اروپایی	تفاوت قائل شدن میان حاشیه شهر و حاشیه روستایی - شهری و مطرح کردن مفهوم «نواحی روستایی زراعی» ^۱ و «نواحی روستایی غیر زراعی» ^۲ (سعیدی، ۱۳۸۷).
	تیلور (۱۹۷۳)	روستاشهرها: جوامع خاصی که واجد هویت و استقلال اند و حس تعلق به مکان میان آنها بسیار زیاد است.
	سمینار «راهبردهای صنعتی شدن و خطامشی قطب‌های رشد در برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای»: تجربه آسیایی توسط مرکز توسعه منطقه‌ای سازمان ملل متحد (UNCRD) در ناگویای ژاپن (۱۹۷۵)	بافت‌های روستاشهری به‌منزله راهبردی جدید در برنامه‌ریزی منطقه‌ای آسیا با ویژگی‌های زیر معرفی شدند: اندازه و تراکم معین همانند شهر سنتی، خدمات و وسایل آسایشی درخور مقیاس، اشتغال غیر کشاورزی و دارای اختیارات خودگردانی، به‌طور حقیقی شهرهای کشاورزی ^۳ (یا شهرهای واقع بر کشتزارها) (فریدمن و داگلاس، ۱۳۶۳).
	جان فریدمن و مایک داگلاس	مطرح کردن خطوط نظریه جدید با توجه به ضعف‌های موجود در نظریه‌های «قطب رشد» و «مرکز - پیرامون» که تجسم ایجاد شهرها در پهنه کشتزارها است، یعنی روستاشهرهایی که پاره‌ای از عناصر کلیدی شهرگرایی را در نواحی کوچک و پرتراکم روستایی دارند.
۱۹۸۰-۱۹۹۰	شاهزاده ولز (معمار منتقد و تیزبین انگلیسی)	هدف از توسعه روستاشهرها بازآفرینی مقیاس انسانی، صمیمیت و زندگی پر طراوت است. مطالعات وی به تشکیل گروهی با عنوان روستاشهر (۱۹۹۲) منجر شد که هدف این گروه پالایش اصول محیط زیست انسانی بود (احمدی، ۱۳۸۷).
۱۹۹۰-۲۰۰۰	ابولووود در مطالعه خود روی نیویورک	بافت روستاشهری (در رد تعبیر گنز): ظهور نوع جدیدی از روستاشهرهای فرا صنعتی متفاوت از محلات با تنوع بیشتر و پرتضادتر و چندفرهنگی (متفاوت از روستاشهر مد نظر جغرافی‌دانان) که به تقاضای مصرف ساکنان معتبر و گردشگران پاسخ می‌دهد.
۲۰۰۰-۲۰۱۰	برنامه‌ریزان و طراحان شهری	تدوین ویژگی‌های اصلی و کالبدی مفهوم روستاشهر، مانند کاربری مختلط، وسعت حداکثر ۴۰ هکتار، امکان دسترسی پیاده کلبه افراد ساکن به کلبه خدمات، حدود ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر جمعیت با یک فضای دسترسی پیاده دوست‌داشتنی، حمل و نقل عمومی کافی، مناظر متنوع شهری، حس مکان و خودکفایی اقتصادی و اختلاف بر سر اصطلاح «روستاشهر» و «محله شهری» (احمدی، ۱۳۸۷).

منبع: نگارندگان

تعریف و تعابیر از روستاشهر به مفهوم بافت روستاشهری، در ایران نیز مسیری را پیموده و تحولی را به خود دیده است که گاه با هم متضادند. ورود این واژه جدید به ادبیات شهرسازی ایران متخصصان را در دو عرصه قرار داد. آنان که با حفظ امانت سعی در برگرداندن واژه داشتند و آنان که سعی کردند معادل روستاشهر را در این مرز و بوم بیابند.

1. Rural Farm Areas
2. Rural Nonfarm Areas
3. Agropolic

جدول ۲. تعاریف روستاشهر در ایران

تعریف روستاشهر	محقق
محل درآمیختن و رویارویی سیستم‌های شهر - روستا - طبیعت یا برخوردگاه شهر - روستا (کشگاه شهری - روستایی) که به تدریج ویژگی‌های شهری را اختیار می‌کنند و گاهی «شبه‌شهر» نیز تلقی می‌شوند.	دانشپور، ۱۳۸۵
روستاهای بزرگ و پرجمعیت، حاصل از ادغام چشم‌اندازهای فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر و روستا، با کالبدی شبیه شهر و فعالیت غالب کشاورزی که در آنها چشم‌اندازهای شهری و روستایی با هم ادغام شده‌اند. اگرچه فعالیت غالب کشاورزی است، خدمات نیز رواج دارد.	رضوانی، ۱۳۷۷
چشم‌اندازهای شهری که چشم‌اندازهای روستایی نیز در آنها دیده می‌شود. فعالیت غالب این سکونتگاه‌ها ممکن است کشاورزی باشد، ولی فعالیت‌های خدماتی و گاهی صنعتی نیز در آنها رواج دارد. همچنین ساختار اجتماعی، فرهنگی و فیزیکی این روستاها نیز به شهرها شباهت دارد.	پاپلی یزدی، ۱۳۸۲
ایده‌ای پویا برای ساخت سکونتگاه‌های شهری که بر پایه توسعه پایدار محیطی با رویکرد شهرسازی محیطی نیازهای زندگی در جامعه محلی را برآورده می‌کند و هدف آن تعادل بین اجتماع، اقتصاد و محیط است.	مفیدی و یمانی، ۱۳۸۷
از انواع سکونتگاه به‌منزله ناحیه‌ای میانه با ماهیت چند عملکردی و متفاوت از دو محیط شهری و روستایی استفاده می‌شود که به تازگی با توسعه جوامع شهری در حاشیه شهرها به‌وجود آمده و در ادامه حرکت شهر به طبیعت، ایجاد شده است و ارتباطی مستقیم با محیط و بستر طبیعی خود دارد.	صبری و فلاح، ۱۳۸۶

منبع: نگارندگان

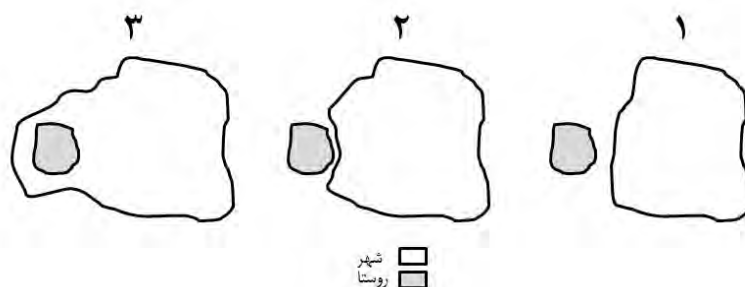
تعاریف عام موجود از واژه روستاشهر در ایران متأثر از دو نگاه متفاوت است؛ نگاه اول متوجه ادبیات گروه روستاشهر^۱، واژه روستاشهر را طراحی سکونتگاه جدید شهری با هدف نزدیک شدن به روستا می‌داند (مفیدی و یمانی، ۱۳۸۷ و صبری و فلاح، ۱۳۸۶). نگاه دوم روستاشهر را حاصل برخورد شهر و روستا^۲ و موضوعی در روابط متقابل شهر با روستا تلقی می‌کند (دانشپور، ۱۳۸۵؛ رضوانی، ۱۳۷۷ و پاپلی، ۱۳۸۲) که البته مطالب این نوشتار متوجه نگاه دوم (رویکرد مسئله‌محور به یک نوع بافت شهری) است؛ هرچند در مرحله چشم‌اندازسازی نگاه اول را دخیل خواهد کرد.

بنا بر آنچه مطرح شد می‌توان نتیجه گرفت، مفهوم روستاشهر از پیدایش تا کنون به گونه‌های متفاوتی تعبیر شده و می‌شود و علاوه بر روستاهایی که به شهر تبدیل شده‌اند یا در شهر ادغام می‌شوند، به سکونتگاه‌های دیگری نیز که ویژگی‌های شهری و روستایی را توأم دارند، روستاشهر گفته شده است. در بیان دقیق‌تر با دیدگاه یک زیستگاه انسانی، بافت روستاشهری می‌تواند همچون یک موزاییک ناهمگن از اکوسیستم‌های طبیعی و مصنوع شهری و روستایی شکل یابند (آلن، ۲۰۰۳: ۱۳۶) که این موضوع حاکی از وجود انواع گوناگونی از روستاشهر است. اما فارغ از تمام رویکردها و نگرش‌ها، روستاها از سه طریق در دسته سکونتگاه‌های شهری قرار می‌گیرند:

۱. تجمیع چند روستا و تشکیل یک نقطه شهری؛
۲. تبدیل یک روستای بزرگ به یک شهر کوچک؛

۳. پیوستن روستا به شهر و تبدیل آن به یک محدوده شهری در شهر (توسعه برون‌زای شهری و ادغام روستاهای پیرامونی در شهر).

منظور از واژه «بافت روستاشهری» در این نوشتار سومین حالت شهری شدن یک روستاست.



شکل ۳. پیوستن روستا به شهر و تبدیل آن به یک محدوده شهری

منبع: نگارندگان

در بدو امر آنچه در اولین برخورد با واژه بافت روستاشهری به ذهن خطور می‌کند، سکونتگاهی با منشأ روستایی در حاله‌ای از ویژگی‌های شهری - روستایی است. به بیانی، بافت روستاشهری به تناسب جایگاه و ویژگی‌هایش در سرتاسر این طیف دارای خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به فرد می‌شود؛ لذا در این حالت برخلاف تقسیم‌بندی دو وجهی شهر و روستا، سکونتگاهی نیز که در طیف میانه قرار دارند و به معنای دیگر، در حال گذار از ماهیت روستایی به ماهیت شهری هستند یا به بیان بهتر همان روستاشهرها، نیز وارد بحث خواهند شد.

دسته‌بندی عام موجود از بافت‌های روستاشهری بر مبنای نحوه الحاق به شهر

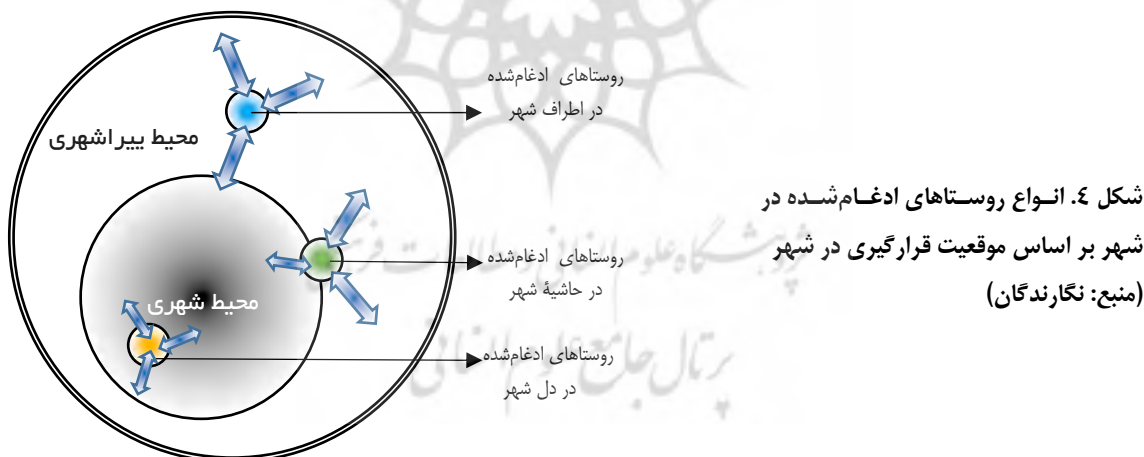
به‌طور عام واژه «بافت روستاشهری» به چهار گونه سکونتگاه شهرهای کوچک، گتوهای شهری، محلات نوین‌یاد همزیست با طبیعت و محلات مسئله‌دار شهری اطلاق می‌شود. گونه چهارم هنگامی به وجود می‌آید که با توسعه و گسترش شهرها به سمت بیرون، بسیاری از سکونتگاه‌ها و روستاهای حاشیه به شهرها پیوندخورده و به محدوده فیزیکی شهرها ملحق می‌شود. به گفته‌ای، گسترش شهرها در دهه‌های اخیر موجب شده تا محدوده شهرها توسعه یابد و بسیاری از روستاهای اقماری در محدوده اداری و خدماتی شهرها قرار گیرند (مظاهریان و آزادملکی، ۱۳۸۷: ۷۷) و با پیشروی شهرها به سوی نواحی پیرامون، دو شکل متفاوت از فضاهای زیستی؛ یعنی شهر و روستا، با ساختار فضایی متفاوت تشکیل می‌شود که در آنها ویژگی‌های شهری و روستایی درهم آمیخته شده است (دانشپور، ۱۳۸۵: ۶). به بیانی دیگر، روستاهایی که ترکیبی از چشم‌اندازهای فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر و روستا در آنها دیده می‌شود، روستاشهر تلقی می‌شوند (رضوانی، ۱۳۸۶: ۱۴۲) که با توجه به مسائل متعدد و متنوع گریبان‌گیر این بافت‌های شهری، گونه‌های متعددی از این بافت‌های مسئله‌دار شهری تشخیص داده می‌شوند.

جدول ۳. انواع بافت‌های روستاشهرها به لحاظ کالبدی، اقتصادی، اجتماعی

روستاشهر	ویژگی‌ها	کالبدی	اقتصادی	اجتماعی
شهرهای کوچک		روستایی با تغییرات جزئی به سمت شهری شدن	کاملاً روستایی همراه با مشاغل اداری اضافه شده	زندگی جمعی، روابط رودررو، تعاملات قوی، همکاری و همیاری، تعصبات قومی
گتوهای شهری		دارای مرز و جدا از بافت اطراف، کالبد روستایی و فرسوده	کم درآمد، شهری	مهاجر، در جست‌وجوی شهری شدن در عین حفظ ارزش‌های قومی خود، منسجم و متحد
محلات نوپنیاذ همزیست با طبیعت		تراکم مناسب خدمات، وسعت مناسب پیاده‌روی، خدمات مناسب زندگی مرفه	خودکفا، شهری، متوسط و مرفه	تعاملات اجتماعی قوی، حمایت و نوع دوستی
محلات مسئله‌دار شهری		بناهای نوساز شهری در کنار بناهای روستایی، محل نگهداری دام و طیور، نیمه‌روستایی	وابسته به شهر عمدتاً در بخش خدمات	منسجم و وابسته، روابط خویشاوندی، تعصبات قومی، حساس به ارزش‌ها و رسوم خود

منبع: نگارندگان

روستاهای ادغام‌شده در شهر را در عین داشتن خصوصیات منحصربه‌فرد، می‌توان در دسته‌های متنوعی جای داد. در فرایند ادغام روستا به شهر می‌توان موقعیت قرارگیری آنها را در یکی از سه دسته روستاهای ادغام‌شده در دل شهر، در حال ادغام در حاشیه شهر و روستاهای پیرامونی شهر طبقه‌بندی کرد.



شکل ۴. انواع روستاهای ادغام‌شده در شهر بر اساس موقعیت قرارگیری در شهر (منبع: نگارندگان)

با مد نظر قرار دادن موقعیت اجتماعی شهر در محدوده الحاق و ادغام روستا در شهر، امکان تبدیل شدن به بافتی فرادست و مرفه از یک سو و نیز، بافتی فرودست و فقیرنشین از سوی دیگر وجود دارد. شایان ذکر است در حالت اول، تغییر هویت کالبدی، اجتماعی و طبیعی بافت‌های روستاشهری سریع‌تر اتفاق می‌افتد؛ زیرا با استقبال بیشتر ساکنانی مواجه می‌شود که به روستا و آنچه در روستا وجود دارد، هیچ تعلق خاطر ندارند و در نتیجه با سکونت افراد غیر بومی در آن به سرعت هویت روستا دگرگون می‌شود. این در حالی است که در حالت دوم به دلیل انزوای روستا از شهر، روزبه‌روز بر مسائل آن افزوده می‌شود تا جایی که حتی در بسیاری از موارد با حضور و جایگزینی مهاجران تنگدست جویای کار و طبقات کارگری مجرد و مهاجران خارجی، به نوعی حاشیه‌نشینی تبدیل می‌شود. بنابراین در یک دسته‌بندی عام و ابتدایی، بافت‌های روستاشهری بنا به مکان و جایگاه قرارگیری در شهر به انواعی که در جدول ۴ آمده است، تقسیم

می‌شوند. شایان ذکر است، علاوه بر جایگاه و موقعیت روستاهای الحاقی در شهر، عوامل دیگری نیز ویژگی‌های متفاوتی به این روستاها می‌بخشند. برای مثال می‌توان به تغییر و تحولات روستاها پس از ادغام در شهر و با گذشت زمان اشاره کرد؛ چراکه این تغییر و تحولات در روستاهای گوناگون در اشکال و ابعاد متفاوتی صورت می‌پذیرد. مثلاً یک روستا در جریان شهری شدن ممکن است از بعد کالبد، دچار تحولاتی شود و این در حالی است که بعضی از روستاها با ادغام در شهر دستخوش دگرگونی فرهنگی می‌شوند و به‌طور کلی می‌توان گفت هر یک در بُعد یا ابعادی خصوصیات شهری را می‌پذیرند و این یکی دیگر از وجوه افتراق بافت‌های روستاشهری است.

جدول ۴. دسته‌بندی عام از بافت‌های روستاشهری

موقعیت		دسته‌بندی عام از بافت‌های روستاشهری	
در حال ادغام در حاشیه شهر		ادغام‌شده در شهر	
بافت‌های روستاشهری در حاشیه شهر با جایگاه پایین اجتماعی	بافت‌های روستاشهری در مرکز شهر با جایگاه بالای اجتماعی	بالا	جایگاه اجتماعی
بافت‌های روستاشهری در حاشیه شهر با جایگاه متوسط اجتماعی	بافت‌های روستاشهری در مرکز شهر با جایگاه متوسط اجتماعی	متوسط	
بافت‌های روستاشهری در حاشیه شهر با جایگاه بالای اجتماعی	بافت‌های روستاشهری در مرکز شهر با جایگاه پایین اجتماعی	پایین	

منبع: نگارندگان

شکل‌شناسی بافت‌های روستاشهری

مطالعات کنونی مرتبط با شکل شهری، به‌دنبال گونه‌شناسی از انواع شکل‌های شهری با هدف‌های متنوع هستند (گاش و وال، ۲۰۰۹: ۵۰۷). در واقع درک مورفولوژی شهری به‌معنای مطالعه شکل سکونتگاه‌ها، (کوان، ۲۰۰۵: ۲۵۰) به شهرسازان کمک می‌کند تا از گونه‌های توسعه مدل‌های بومی و محلی و نیز فرایندهای تحول‌زا آگاه شوند (کرمونا، ۲۰۱۰: ۷۷). به بیان دیگر، شکل‌شناسی شهری باید بینشی منتقدانه را به‌منظور آگاهی از مدل‌های رشد شهری واقعی‌تر فراهم آورد (استانیلو، ۲۰۰۹: ۱). علم شکل‌شناسی در رابطه با پدیده شهر سه رویکرد زیر را اتخاذ کرده است:

(الف) محیط و رفتار: تمرکز بر محیط انسان‌ساخت در ارتباط با استفاده، رفتار و ادراک انسانی؛

(ب) مکان و تصویر آن: تمرکز بر ابعاد محیط انسان‌ساخت در رابطه با تجربه‌ها، معانی و ارزش‌های انسانی؛

(ج) ساختار و روند: تمرکز بر محیط انسان‌ساخت در حال تحول، از طریق تحلیل عناصر گونه‌بندی‌شده مطرح در شکل‌شناسی شهری (اونز، ۲۰۰۵: ۶۴ و ذاکر حقیقی، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

رویکرد سوم با تمرکز بر بررسی محیط انسان‌ساخت عاری از رفتار دوسویه انسان با آن، به توصیف نظام‌مند و تحلیل محیط انسان‌ساخت می‌پردازد. رویکرد سیستماتیک برای تجزیه و تحلیل شکل شهری، یا به‌اصطلاح رویکرد گونه

- ریخت‌شناسانه، به‌طور مستقل در قاره اروپا و بریتانیا، در نیمه دوم قرن بیستم پدید آمده است. به نظر می‌رسد میان صاحب‌نظران در مورد سه مکتب اصلی تجزیه و تحلیل گونه - ریخت‌شناسانه^۱ پدیدار شده، اجماعی وجود دارد:

- مکتب ایتالیایی یا موراتورین^۲: مطالعه شکل شهر برای مقاصد توصیفی و بیانی، با هدف ایجاد نظریه‌هایی از ساخت شهر؛
- مکتب انگلیسی یا کانزین^۳: مطالعه شکل شهر به‌منظور ارائه توصیه‌ها و راهکارها، با هدف ایجاد نظریه طراحی؛
- مکتب فرانسوی یا ورسایلز^۴: مطالعه شکل شهر برای ارزیابی آثار نظریه‌های طراحی شهری گذشته بر ساختار شهری (مودان، ۱۹۹۷؛ مودان، ۱۹۹۴ و کاموروسکی، ۲۰۰۷).

این مقاله به‌دنبال روش‌شناسی برخورد با بافت روستاشهری، در پی رویکرد «ساختار و روند» در مبحث بافت‌های روستاشهری، سعی در گونه‌شناسی روستاشهرها توسط عناصر شکل آن با هدف توصیف و تشریح شکل روستاشهری به‌منظور شناخت ساختار روستاشهری دارد. شکل روستاشهری را می‌توان بخش رشدیافته شکل شهری با منشأ روستایی در ابعاد گوناگون فیزیکی و غیر فیزیکی دانست. با توجه به تعداد اندک مطالعات صورت گرفته در رابطه با شکل و شکل‌شناسی بافت‌های روستاشهری از یک سو و تشابه در اصول کلی شکل شهر و شکل روستاشهر در قالب مفهوم «شکل سکونتگاه‌های شهری»، مراجعه به ماهیت شکل شهر، فارغ از مناقشات بر سر واژگان^۵، می‌تواند رهگشا باشد. شکل شهر در واقع به توزیع فضایی کاربری‌های متنوع، مرتبط با شالوده کالبدی و شبکه حمل‌ونقل اشاره می‌کند (برتولینی و دیگران، ۲۰۰۵ و رودریک، ۲۰۰۸: ۲۰۷).

از دیدگاه لینچ، شکل شهر تبلور فضایی و شکلی حیات مدنی و اجتماعی شهر و فعالیت‌های جوامع شهری در مکان و زمان است که در ترکیبی از ذهنیت و عینیت، ماهیت ترکیبی و فرا دوبعدی یافته و حاصل تعامل نیروهای بسیاری است که این نیروها را در سه دسته می‌توان جای داد: بعد اول: عوامل مصنوع؛ بعد دوم: عوامل طبیعی؛ بعد سوم: عوامل انسانی (حبیب، ۱۳۸۵: ۷).

کوچکترین اجزای این ترکیب در چارچوب عناصر ساخته دست آدمی؛ ساختمان‌ها، توده و احجام، فضای شهری، فضاهای باز، شبکه راه‌ها، میادین و تأسیسات شهری، در کلیاتی درهم‌تنیده است که محیط طبیعی با عناصر عمده‌ای چون بستر طبیعی، توپوگرافی زمین، جریان‌های آب و پوشش گیاهی، در چگونگی ترکیب عناصر در شکل شهر نقش و تأثیر قاطع دارند و در نهایت، روابط و چگونگی ارتباط اجزا با محیط اطراف، شکل شهر را معرف زمان حال و پلی واسط بین گذشته و آینده معرفی می‌کند. به بیانی شیواتر، شکل شهر بستری است که در بازه زمانی از ترکیب عوامل مصنوع (ساخته دست بشر) و عوامل طبیعی (طبیعت و عناصر طبیعی)، به‌منظور برآوردن نیازهای انسانی مهیا می‌شود.

1. Typomorphological Analysis (TMA)

2. The Italian or Muratorian School

3. The British or Conzenian School

4. The French or Versailles School

۵. واژه لاتین Urban Form در ترجمه‌های متقدم به «شکل شهر» برگردان شده است؛ در حالیکه برخی اعتقاد به نادرستی آن و استعمال «فرم شهر» دارند.

تعاریف بیان‌شده از شکل شهر وابسته به شهر نیستند؛ به بیانی ماهیت شهر در جایگاه سکونت انسانی بررسی شده است. در دیگر سخن، تفاوت بین شکل روستاشهری و شکل شهری، جنبه ماهوی ندارد، بلکه اختلاف در کمیت عناصر تشکیل‌دهنده در شکل است؛ به این معنا که شکل‌های شهری، روستایی و روستاشهری که ممزوجی از دو شکل اولیه‌اند دارای ساختار عناصر مشابه، اما مقادیر متفاوتی از عناصرند. علاوه‌براین مورفولوژیست‌ها معتقدند، می‌توان انواع سکونتگاه‌ها را (فارغ از روستا، شهر یا روستاشهر بودن آنها) در قالب چند عنصر اساسی مشاهده کرد (کرمونا، ۲۰۱۰: ۷۷). توجه به این نکته که بافت‌های روستاشهری هرچند با ویژگی‌های متفاوت، جزئی از شهر هستند نیز، به‌کارگیری نظریه‌های لینچ را در رابطه با شکل شهری این پژوهش توجیه می‌کند. مضافاً این‌که حتی در رابطه با شکل روستا نیز، دسته‌بندی لینچ از شکل شهری با کمیت و کیفیت متفاوت روستایی صادق است.

گونه‌شناسی بافت‌های روستاشهری

گونه‌شناسی معمولاً دسته‌هایی را مشخص می‌کند که پدیده‌ها در آن به‌وسیله صفات یا کیفیات خاص اصلی و لازم، مشخص شده‌اند و این‌ها متقابلاً هم قطعی‌کننده و هم کامل (شامل تمام جزئیات و کلیات) هستند. گونه‌شناسی می‌تواند به‌منظور مطالعه متغیرها و شرایط تغییرپذیر و تحول‌پذیر استفاده شود (دانشنامه بریتانیکا، ۱۹۸۴: ۳۳۵-۳۳۴). به بیان دیگر «گونه‌شناسی تلاشی است برای قراردادن مجموعه‌ای از اشیای پیچیده در یک مجموعه منظم برای دستیابی به عمومیت بیشتر در جهت شناخت و برنامه‌ریزی» (راپاپورت، ۱۹۹۰: ۴۸).

در باب به‌کارگیری گونه‌شناسی در شهرسازی، با وجود قدمت مکاتب مختلف شکل‌شناسی شهری، فقط در دو دهه اخیر، به تعداد معدود پژوهش‌هایی^۱ در زمینه گونه‌شناسی بافت شهری انجام گرفته است. دلایل آن را می‌توان «پیروی بافت شهری از طرح‌های شهرسازی در کشورهای توسعه‌یافته و تمرکز تلاش در زمینه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری برای رفع مشکلات، به جای استفاده از فرصت‌هایی همچون تنوع موجود در بافت شهری در کشورهای در حال توسعه» دانست (جلینک، ۱۹۹۲: ۱۲). منظور از گونه‌شناسی در شهرسازی، یک طبقه‌بندی علمی از معیارهایی است که عموماً در حوزه‌های شهری، مطابق با وابستگی‌ها و اشتراکاتشان در دسته‌های گوناگونی قرار می‌گیرند، مانند شدت توسعه (از روستایی و طبیعی به شهری‌شدن)، میزان خصوصی یا عمومی بودن، اندیشه غالب (برای مثال سنتی یا مدرن). هرچند عموماً این معیارها کالبدی هستند و با بیان گونه‌شناسی، ناخودآگاه توجه ذهن را به طبقه‌بندی کالبدی جلب می‌کنند؛ اما با غور بیشتر در متون شهرسازی، واژه «ریخت‌شناسی»^۲ به‌طور دقیق مطابق با «گونه‌شناسی کالبدی» لحاظ شده است. به بیانی گونه‌شناسی نه‌تنها شامل مشخصه‌های کالبدی می‌شود، بلکه سایر ابعاد شهری مانند اجتماعی، کالبدی، اقتصادی و... را هم دربرمی‌گیرد.

۱. تأکید بر گونه‌شناسی از مشخصه‌های نوشهرگرایان است. آنها بر اهمیت مطابق‌بودن مشخصه‌های توسعه کالبدی یک مکان در گونه‌شناسی مناسب آن، از طریق تصمیم‌گیری با توجه به اولویت‌های مکانی در راستای حفظ پیوستگی تاریخی تأکید ویژه دارند. اما مدرنیست، در یک بی‌تمایلی عمومی نسبت به ساختارهای سنتی و باستانی، خواهان کمترین تشابه در تعریف صحیح گونه‌شناسی یک مکان است؛ درواقع گونه‌شناسی ایده‌ای است که جنبش مدرن از روی عمد آن را نادیده می‌گیرد (کرمونا، ۲۰۰۷: ۸۴).

در مورد سودمندبودن همه‌جانبه گونه‌شناسی جای تردید است، با این حال می‌توان آن را به سه منظور مؤثر دانست: نخست؛ ابزار توصیف ساختار شهری برحسب ویژگی‌های گوناگون، دوم؛ ابزار تحلیل و ایجاد ارتباط میان داده‌های زیست‌محیطی و اقتصادی اجتماعی با گونه‌های مختلف تعریف‌شده و تحلیل آنها و سوم؛ ابزار برنامه‌ریزی با تأمین درک عمیق از گونه‌های شهری که راه را برای برنامه‌ریزی و طراحی مناسب‌تر در سطح خرد و کلان هموار می‌کنند (راپاپورت، ۱۹۹۰: ۳۸۶) و این مقاله رویکرد سوم را پی‌جسته است. علاوه بر این، راپاپورت اصولی را به‌منظور قاعده‌مهندسازی گونه‌شناسی مطرح کرده است؛ از آن جمله ضرورت به‌کارگیری شاخص‌های متعدد (گونه‌شناسی چندشاخصه‌ای) به جای به‌کارگیری شاخص واحد (گونه‌شناسی تک‌شاخصی)، پرهیز از تشخیص گونه ایده‌آل و خالص، انتخاب معقولانه شاخص‌ها برای پرهیز از تکرار بیش از حد شاخص‌ها (راپاپورت، ۱۹۹۰: ۳۸۶) را می‌توان نام برد.

پیدایش مباحث گونه‌شناسی و ریخت‌شناسی در اواخر دهه پنجاه میلادی، محققان شهری را به دانشی مجهز کرد که به‌ویژه برای کشف موضوعات شکل فضایی شهر مناسب بود. نفوذ ابزار گونه‌شناسی در شهرشناسی، به‌ویژه در علم ریخت‌شناسی، در دهه‌های اخیر حتی منجر به ایجاد مکاتب گونه - ریخت‌شناسی در زمینه تحلیل مسائل شهری شده است (توسلی، ۱۳۸۸: ۱۴).

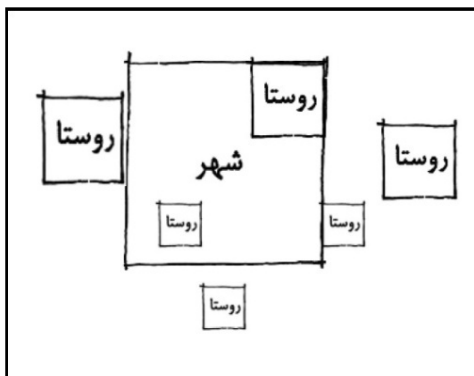
مبانی نظری

با توجه به دسته‌بندی سه‌گانه لینچ و تعمیم آن به شکل روستاشهری و نیز دسته‌بندی‌های عام از بافت‌های روستاشهری می‌توان گفت هر بافت روستاشهری فارغ از ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود واجد سه صفت (یا مؤلفه هویتی) خواهد بود:

۱. کالبدی؛
۲. نحوه استقرار؛
۳. هویت انسانی.

کالبدی (مصنوع یا طبیعی): شکل روستاشهر؛ توزیع فضایی افراد و فعالیت‌ها و نتیجه فضایی و کالبدی حرکت افراد، کالاها و اطلاعات، در فضای یک روستاشهر است که می‌توان آن را به ابعاد و عوامل دوگانه مصنوعی و طبیعی تفکیک کرد که فعالیت‌های انسانی در ترکیب آن دو جاری هستند. نحوه ترکیب عوامل مصنوعی در گذشته و حال به‌منظور دستیابی به زندگی مطلوب در شکل‌دهی به سازمان فضایی بافت روستاشهری و نیز ارتباط این ساختار با سازمان فضایی شهر مد نظر است. عامل دیگر که در رشد و توسعه، آبادانی و رونق بافت‌های روستاشهری تأثیر مستقیم دارد و از عوامل ماهیتی آن است، عوامل طبیعی هستند. تأثیر اقلیم در گونه‌شناسی مسکن و طراحی و ساختار طبیعی بافت‌های روستاشهری، تأثیر پوشش گیاهی به‌منزله پتانسیل بافت‌های روستاشهری، تأثیر آب بر مکان‌یابی و جهت‌گیری توسعه بافت‌های روستاشهری، خصوصیات هویت‌دهنده طبیعی مانند دید و چشم‌انداز، شکل زمین و توپوگرافی و... از مهم‌ترین عوامل طبیعی پژوهش درباره گونه‌شناسی بافت‌های روستاشهری هستند. به بیانی دیگر، با توجه به اطلاعات حاصل از مقایسه عوامل مصنوعی با طبیعی، هر بافت روستاشهری را می‌توان متناسب با برتری نسبی یک عامل بر دیگری، در دو گروه روستاشهر انسان‌ساخت‌محور و روستاشهر طبیعت‌محور قرار داد.

نحوه استقرار: بافت‌های روستاشهری فارغ از نوع آنها، از لحاظ موقعیت قرارگیری و مساحت استقرار آنها نسبت به شهر در حالات گوناگون، شناسایی می‌شوند. بنابراین کلیه بافت‌های روستاشهری موجود را می‌توان در دو قالب دسته‌بندی کرد؛ اول) مرتبط با شکل روستاشهری و دوم) مرتبط با موقعیت و سطح قرارگیری روستاشهر.



شکل ۵. انواع روستاشهر از حیث موقعیت و مساحت قرارگیری نسبت به شهر (منبع: نگارندگان)

هویت انسانی: شکل روستاشهری فقط حاصل ترکیب عوامل مصنوع و طبیعی نیست، بلکه شامل انواع فعالیت‌ها نیز می‌شود. فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و غیره که به‌صورت عام و منطقی باید در تمام بافت‌های روستاشهری وجود داشته باشند، اما در برخی از آنها یک یا چند فعالیت نقش هویتی گرفته و بنیان آن را پی‌ریزی می‌کنند. برای مثال زمانی که تمام ساکنان یک بافت روستاشهری غیر مسلمان باشند، به حتم این موضوع در ساختار و سازماندهی بافت روستاشهری، الگوی مسکن و حتی عناصر شاخص آن، تأثیر خواهد گذاشت.^۱

بر مبنای مفهوم بیان‌شده از بافت‌های روستاشهری - سکونتگاهی با منشأ روستایی در هاله‌ای از ویژگی‌های شهری - روستایی که در توسعه‌های متأخر شهری پدیدار شده است - ۱۷ بافت روستاشهری در یزد انتخاب شد و اطلاعات آنها از طریق مشاهده و تحلیل نقشه‌ها و تصاویر ماهواره‌ای، در دو بخش کالبدی و نحوه استقرار جای گرفتند. همچنین، مطالعات کتابخانه‌ای و پرسشنامه در بخش هویت انسانی، پس از جمع‌آوری در سه دسته مؤلفه هویتی طبقه‌بندی شدند.

بحث و یافته‌ها

گونه‌شناسی پیشنهادی بافت‌های روستاشهری

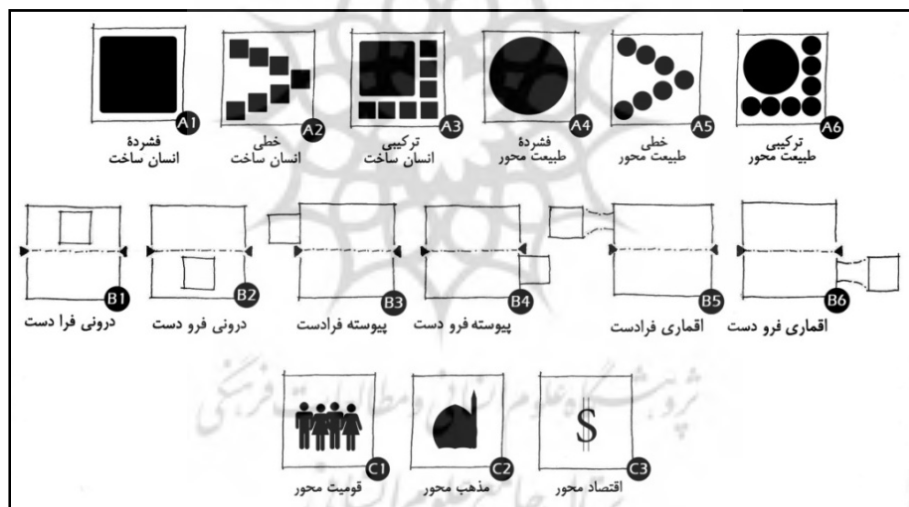
پس از شناسایی مؤلفه‌های شکل روستاشهری، محتمل‌ترین گونه‌شناسی بافت‌های شهری بر مبنای اجزای آن خواهد بود. به بیان دیگر، با توجه به هویت سه‌گانه بافت‌های روستاشهری، مراحل گام‌به‌گام گونه‌شناسی بافت‌های روستاشهری پیشنهاد می‌شود. گام اول: تحلیل کالبدی روستاشهرها؛ گام دوم: موقعیت‌شناسی روستاشهرها؛ گام سوم: تحلیل هویت انسانی روستاشهرها و در نهایت ارائه گونه‌های نهایی روستاشهرها. سه گام بیان‌شده در شکل ۶ مشاهده می‌شود.

۱. برای مثال، روستاشهر قاسم‌آباد در یزد.

گام اول؛ تحلیل کالبدی روستاشهرها: گام نخست به این سؤال پاسخ می‌دهد: هویت اصلی روستاشهر به واسطه کدام دسته از عوامل مصنوع یا طبیعی است؟ اگر پاسخ عوامل مصنوع باشد، بر اساس تحلیل توده و فضا سه گونه روستاشهر انسان‌ساخت ترکیبی، خطی و فشرده را می‌توان شناسایی کرد. همین‌طور در ارتباط با روستاشهرهای طبیعت‌محور از طریق تحلیل عوارض طبیعی و تحلیل بستر طبیعی، این سه گونه تشخیص داده می‌شوند (شکل ۶).

گام دوم؛ موقعیت‌شناسی روستاشهرها: از یک سو با توجه به موقعیت جغرافیایی، روستاشهر در یکی از دسته‌های درونی، پیوسته و اقماری قرار خواهد گرفت. از دیگر سو، مطابق با مطالعات اجتماعی می‌توان موقعیت و جایگاه اجتماعی روستاشهر را به دو دسته فرادست (سطح اجتماعی بالا) و فرودست (سطح اجتماعی پایین) تفکیک کرد. بنابراین از نتایج تحلیل موقعیت‌شناسی، شش گونه‌بندی موقعیت حاصل می‌شود (شکل ۶).

گام سوم؛ تحلیل هویت انسانی روستاشهرها: متناسب با عوامل انسانی که لینچ و مطالعات بافت‌های روستاشهری معرفی کرده‌اند، سه عامل انسانی مهم‌ترین نقش را در هویت‌دهی به بافت‌های روستاشهری ایفا می‌کنند که عبارتند از: مذهب، قومیت و اقتصاد که فراخور آنها، سه نوع بافت روستاشهری تشخیص داده می‌شود (شکل ۷).



شکل ۷. گونه‌های نهایی روستاشهرها

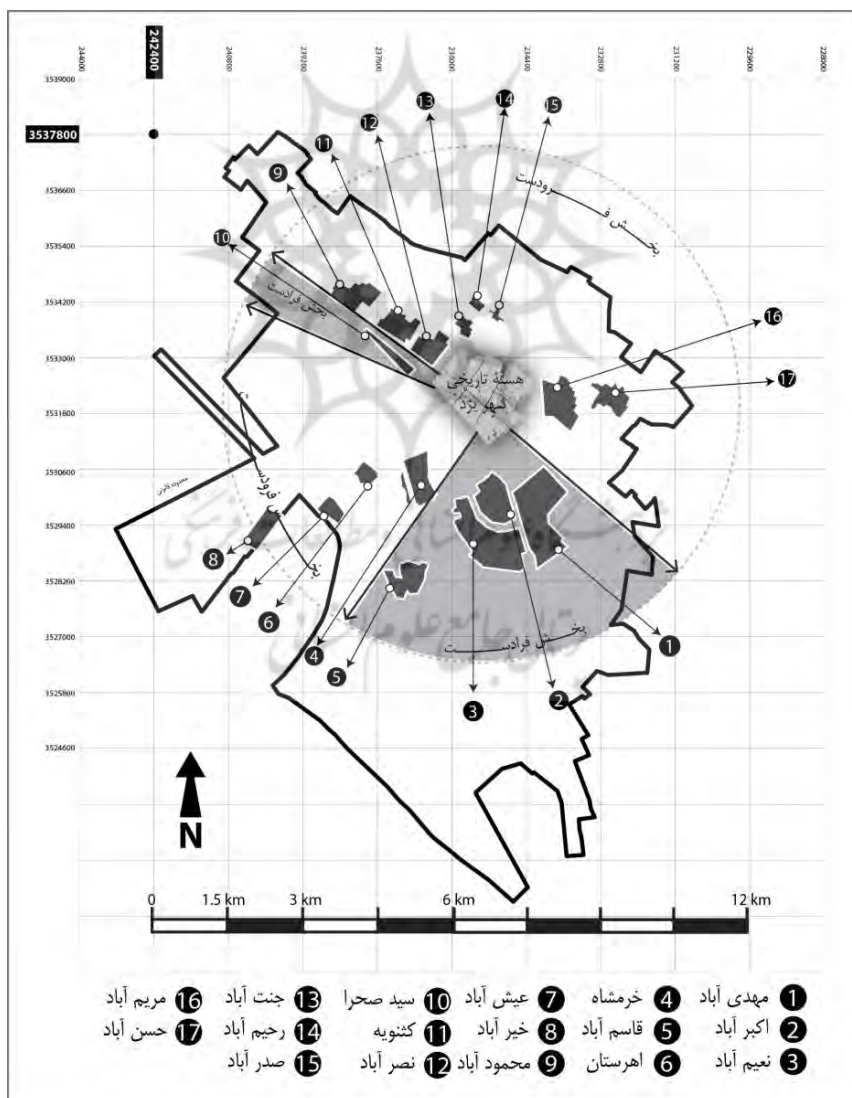
منبع: نگارندگان

پس از طی تحلیل‌های سه‌گانه، روستاشهرها متناسب با ابعاد کالبدی، موقعیتی و انسانی، در یکی از گونه‌های شش‌گانه کالبدی، شش‌گانه استقرار و سه‌گانه انسانی قرار خواهند گرفت. به کلام دیگر، هر بافت روستاشهری واجد سه خصوصیت هویتی خواهد شد که بیانگر ویژگی‌های بنیادین این سکونتگاه انسانی است. برای نمونه می‌توان روستای نعیم‌آباد در شهر یزد را تحلیل کرد که با ساختاری خطی و طبیعت‌محور، در مجاورت هسته تاریخی که به واسطه رشد سریع یزد به سمت جنوب شرقی، در قلب شهر قرار گرفته و دارای ویژگی فرهنگی و اجتماعی متمایز نسبت به سایر نقاط شهری است و آن را به سه صفت خطی طبیعت‌محور، محاطی مثبت و قومیت‌محور، گونه‌شناسی کرد.

مطالعه موردی گونه‌شناسی: بافت‌های روستاشهری یزد

در شناخت و تحلیل بافت‌های روستاشهری شهر یزد، در راستای واکاوی ساختار هر یک از بافت‌های روستاشهری، توجه به پهنه سه‌گانه بافت‌های روستاشهری؛ یعنی هسته روستایی، بافت پیرامونی، پهنه‌های سبز (باغ‌ها و مزارع)، و نیز نکاتی درباره عوامل انسانی عمده حاکم بر این بافت‌ها، ضروری است.

با تقسیم‌بندی شهر یزد به بخش‌های فرادست و فرودست (منطبق بر تقسیمات اجتماعی و نه جغرافیایی که میان عوام به بالاشهر و پایین‌شهر مرسوم است)، می‌توان گرایش اجتماعی - اقتصادی توسعه شهری یزد در دهه‌های اخیر را به‌وضوح دید و تأثیر آن بر رشد بافت‌های روستاشهری را مشاهده کرد. قیمت زمین در آخرین سرشماری نفوس و مسکن، ملاک عمل برای تفکیک بخش‌های فرادست و فرودست در شهر یزد قرار گرفت که به‌صورت پهنه‌های عمومی در شکل ۸ به مرکزیت بافت قدیم پیاده شده است.

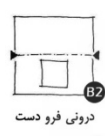









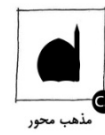
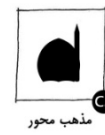

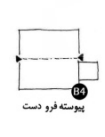

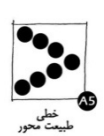
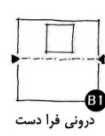


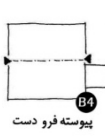



شکل ۸. نمودار پراکندگی بافت‌های روستاشهری یزد در بخش‌های فرادست و فرودست شهر

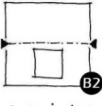

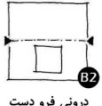
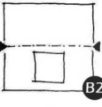

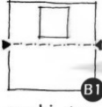

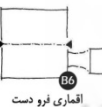



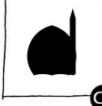
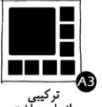
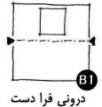

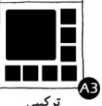
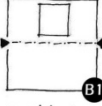

منبع: نگارندگان

پس از توجه به استقرار بافت‌های روستاشهری، به‌منظور دسته‌بندی کالبدی باید از یک‌سو به میزان مساحت در بافت‌های روستایی و بافت پیرامونی، نظام مورفولوژیک هسته روستایی و بافت پیرامونی، شامل الگوی شبکه‌بندی، الگوی قطعه‌بندی و... توجه کرد و از سوی دیگر، ساختار عناصر طبیعی همچون باغ‌ها، مزارع، رودها و شبکه آبیاری و مسیل‌ها و سازماندهی آنها و درنهایت چگونگی ترکیب عناصر مصنوع و طبیعی را مد نظر قرار داد. در نظام گونه‌شناسی انسانی، توجه به نقش عوامل مذهب، اقتصاد و قومیت‌محوری، در بنیان روستاشهر جست‌وجو می‌شود، به بیانی بررسی جنبه‌های اجتماعی، سیاسی، مذهبی و فرهنگی، در هویت روستاشهرها انجام می‌گیرد.

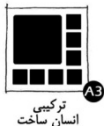
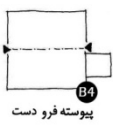

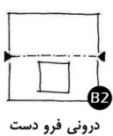
جدول ۵. گونه‌شناسی بافت‌های روستاشهری یزد

بافت‌های روستاشهری	ملاحظات	گونه‌شناسی کالبدی	گونه‌شناسی استقرار	گونه‌شناسی انسانی
کثنویه	رشد یک‌طرفه بافت پیرامونی به‌دلیل مجاورت با محور توسعه فرادست غربی	 درونی فرو دست	 قومیت محور	 قومیت محور
اهرستان	اضمحلال نسبی با قرارگیری در محور حرکتی اصلی شهر	 درونی فرو دست	 مذهب محور	 مذهب محور
نصرآباد	رشد یک‌طرفه بافت پیرامونی به‌دلیل مجاورت با محور توسعه فرادست غربی	 ترکیبی انسان ساخت	 مذهب محور	 مذهب محور
محمودآباد	رشد یک‌طرفه بافت پیرامونی به‌دلیل مجاورت با محور توسعه فرادست غربی	 درونی فرو دست	 مذهب محور	 مذهب محور
مریم‌آباد	رشد آرام و پراکنده، مستعد حاشیه‌نشینی به‌دلیل انزوا در توسعه شهر	 فشرده طبیعت محور	 پیوسته فرو دست	 قومیت محور
نعیم‌آباد	در روند گسترش یزد، اگرچه ساختار حفظ‌شده، بافت پیرامونی افزایش جرم یافته است.	 خطی طبیعت محور	 درونی فرا دست	 قومیت محور
خیرآباد	رشد ناهمگون بافت متناسب با تغییر و تحولات محور توسعه جنوبی	 خطی انسان ساخت	 پیوسته فرو دست	 قومیت محور

ادامه جدول ۵

روستاشهری	ملاحظات	گونه‌شناسی کالبدی	گونه‌شناسی استقرار	گونه‌شناسی انسانی
خرم‌شاه	اضمحلال نسبی با قرارگیری در مرکز شهر	 B2 درونی فرو دست	 C1 قومیت محور	
جنت‌آباد	با گسترش شهر یزد و قرارگیری در بافت فرودست شمالی به‌صورت کامل ناپود شده است.	 B2 درونی فرو دست		
رحیم‌آباد	با گسترش شهر یزد و قرارگیری در بافت فرودست شمالی به‌صورت کامل ناپود شده است.	 B2 درونی فرو دست		
سید صحرا	شکل کاملاً خطی متأثر از قرار گرفتن در محور توسعه بخش فرادست غربی	 A2 خطی انسان ساخت	 B1 درونی فرا دست	
حسن‌آباد مشیر	رشد آرام و پراکنده، مستعد حاشیه‌نشینی به‌دلیل انزوا در توسعه شهر	 A3 ترکیبی انسان ساخت	 B6 آقماری فرو دست	 C1 قومیت محور
قاسم‌آباد	افزایش جرم بافت پیرامونی به‌دلیل خط راه‌آهن با قوت کمتر و کندتر اتفاق افتاده است.	 A3 ترکیبی انسان ساخت	 B1 درونی فرا دست	 C2 مذهب محور
مهدی‌آباد	در روند گسترش یزد، اگرچه ساختار حفظ‌شده، بافت پیرامونی افزایش جرم یافته است.	 A3 ترکیبی انسان ساخت	 B1 درونی فرا دست	 C1 قومیت محور
اکبرآباد	در روند گسترش یزد، اگرچه ساختار حفظ‌شده، بافت پیرامونی افزایش جرم یافته است.	 A3 ترکیبی انسان ساخت	 B1 درونی فرا دست	 C1 قومیت محور

ادامه جدول ۵

بافت‌های روستاشهری	ملاحظات	گونه‌شناسی کالبدی	گونه‌شناسی استقرار	گونه‌شناسی انسانی
عیش آباد	رشد ناهمگون بافت متناسب با تغییر و تحولات محور توسعه جنوبی	 A3 ترکیبی انسان ساخت	 B4 پیوسته فرو دست	 C1 قومیت محور
صدر آباد	با گسترش شهر یزد و قرارگیری در بافت فرودست شمالی، به‌صورت کامل نابود شده است.	 B2 درونی فرو دست		

منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

آنچه در این نوشتار آمد، حرکتی بود از یک سکونتگاه شهری روستابنیان به سکونتگاهی پایدار. خیزشی برای زندگی بهتر، شهری با طمع روستا. لازمه استمرار این حرکت، گام‌هایی متداوم از شناخت به تحلیل، تحلیل به گونه‌شناسی، گونه‌شناسی به چشم‌اندازسازی و چشم‌اندازسازی به سوی مکان پایدار زیستی است. بی‌توجهی به نیروهای مؤثر و متأثر از بافت‌های روستاشهری، مسبب تبدیل آنها به لکه‌های بافت فرسوده در سرتاسر بافت شهری شده است که ضمن روند مطلوب تاریخی خود - حفظ ساختار و احترام به گذشته و حرکت به سوی نو شدن - به سمت ناکارآمدی در تأمین نیازهای انسانی سوق داده می‌شوند. این پژوهش نشان داد که می‌توان بافت‌های روستاشهری را در گونه‌هایی کارا با هدف شناسایی مسائل مرتبط و تدوین پیش‌بینی‌های لازم برای تجدید حیات طبقه‌بندی کرد تا به‌طور ضمنی هویت آینده روستاشهری رقم خورد؛ هویتی که نه تنها لازمه زندگی امروز روستاشهر است، بلکه پیش‌نیاز چشم‌اندازسازی آینده هر یک از گونه‌های شناسایی شده خواهد بود. شکل‌شناسی شهری مبتنی بر گونه‌شناسی که به دسته‌بندی خام از بافت‌های شهری ختم شود، نمی‌تواند پاسخ‌گویی جامع و مانع برای مسائل شهری قلمداد شود؛ چرا که صرفاً به شناخت مسئله کمک کرده است. اما پیگیری مسئله در هر گونه، در گذشته و حال و نیز، ارائه راهکارها و اقداماتی برای گونه‌های تشخیص داده‌شده به سمت چشم‌انداز آینده آنها، نمونه‌ای از بافت‌شناسی تخصصی است. پس از تدوین چشم‌انداز، تدقیق آن در سلسله‌مراتبی از اقدامات، ضمانت اجرایی آن را فراهم خواهد آورد. در هر بعد راهکارها، راهبردها و پروژه‌ها، عوامل هدایت‌کننده بافت روستاشهری به سوی هدف غایی آنها، یعنی امکان تسهیل در رشد تدریجی و پیوسته آنها را فراهم می‌آورد تا در نهایت روستاشهر در فرایند رشد خود نیروهای حیاتی را از مراکز اولیه و هسته اصلی به مراکز ثانویه انتقال دهد و طی سلسله‌مراتبی، ضمن تبدیل به سکونتگاهی پایدار، در مقیاس شهری نیز زمینه ارتقای سرزندگی فراهم آید.

منابع

1. Abu-Lughod, J., 2000, **New York, Chicago, Los Angeles: America's Global Cities**, University of Minnesota Press, United States.
2. Ahmadi, G., 2008, **Take a Look at Concept of Rural-Urban, The Sustainable Form of Urban Development**, Abadi Journal, Vol. 15, No. 60, PP. 52-55. (*in Persian*).
3. Allen, A., 2003, **Environmental Planning and Management of the Peri-urban Interface: Perspectives on an Emerging Field**, Environment and Urbanization, Vol. 15, No.1, PP.135-148.
4. Aslani, R. ; Javad, A. (2003), **Spatial Development Planning of Bijar County**, Thesis of Master Degree, Shahid Beheshti University, Tehran (*in Persian*).
5. Bertolini, L., Clercq, F. & Kapoen, L., 2005, **Sustainable Accessibility: a Conceptual Framework to Integrate Transport and Land Use Plan-making. Two Test-applications in the Netherlands and a Reflection on the Way Forward**, Transport Policy, Vol. 12, No. 3, PP. 207–220.
6. Bunce, M., 1982, **Rural Settlement in an Urban World**, St. Martins Press, New York.
7. Carmona, M., 2007, **Urban Design Reader**, Architectural Press, UK.
8. Carmona, M., 2010, **Public Space, Urban Space**, Architectural Press, UK.
9. Cowan, R., 2005, **The Dictionary of Urbanism**, Streetwise Press, and Norfolk, Chicago.
10. Daneshpour, Z., 2006, **Analysis of Spatial Inequality in the Peri-Urban Environment, Attempting to Use Strategic Planning and Management Approach in City of Tehran**, Journal of Fine Arts, Vol. 25, No. 28, PP. 5-14, Tehran. (*in Persian*)
11. Dutton, J. A., 2000, **New American Urbanism: Re-forming the Suburban Metropolis**, Skira Architecture Library, the University of Michigan, United States.
12. Friedman, J. & Douglass, M., 1975, **Agropolitan Development: Towards a New Strategy for Regional Planning in Asia**, United Nations Centre For Regional Development, Nagoya.
13. Friedman, J. & Douglass, M., 1984, **Rural-Urban Development**, Translated by Aziz Kiyavand, Published by Program and Budget, Tehran. (*in Persian*)
14. Furuseth, O. J. and Pierce, J.T., 1982, **Agricultural Land in an Urban Society**, Association of American Geographers, Washington, DC.
15. Ghosh, S. & Vale, R., 2009, **Typologies and Basic Descriptors of New Zealand Residential Urban Forms**, Journal of Urban Design, Vol. 14. No. 4, PP. 507–536.
16. Goli, A., Asgari, A., 2006, **Using Fuzzy Logic in Conversion Village to City**, Lecture of Human Sciences Quietly, No 2, PP. 139-158. (*in Persian*)
17. Habib, F., 2006, **Exploring in the Meaning of City Form**, Journal of Fine Arts, Vol. 25, No. 25, PP. 5-14. (*in Persian*)
18. Haghghi, Z.K., Majedi, H., Habib, F., 2010, **Determining Effective Indexes on Typology of Urban Tissue**, City Identity Issue, Vol. 5, No. 7, P. 105-112. (*in Persian*)
19. Huxford, R., 1998, **Urban Villages - an Introduction**, the Institution of Civil Engineers, Urban Villages Forum, August.
20. Jelinek, G., 1992, **Aspects of Density in Urban and Residential Planning for Jabotabek**, in Dialog, Vol. 32, No. 32, PP. 8-14.

21. Komorowski, B, 2007, **Typomorphological Analysis as a Basis for Urban Design in Montreal School of Urban Planning**, McGill University, United States.
22. Lynch, K., 2007, **Reciprocal Relation of City and Village in Developing Country**, Translated by Mohamadreza Rezvani & Davood Sheikh, Payam Publication, Tehran. (*in Persian*)
23. Madanipour, A., 2010, **Designing of Urban Space; an Approach to Social and Locative Processes**, Translated by Farhad Mortazaie, Process and Urban Planning Corporation, Tehran. (*in Persian*)
24. Mazaherian, H., Maleki, A.M., 2008, **Chidzar, from Rural Tissue to a Neighborhood in Metropolis**, Vol. 15, No. 60, PP. 76-82. (*in Persian*)
25. Micropaedia Ready Reference, 1976, 15th edn, Chicago, **the New Encyclopedia Britannica**, Vol.8, PP. 334-335.
26. Mofidi, S.M., Yamani, P., 2008, **Rural- Urban, a Style for Sustainable Urban Development**, Abadi Journal, Vol.6, No. 60, PP. 56-59. (*in Persian*)
27. Moudon, A.V., 1997, **Urban Morphology as an Emerging Interdisciplinary Field**, Urban Morphology Journal, Vol. 1, No.1, PP. 3-10.
28. Moudon, A.V., 1994, **Getting to Know the Built Landscape: Typomorphology** in Frank, K.A. and Schneekloth, L.H. (eds.) *Ordering Space: Types in Architecture and Design* (New York: Van Nostrand Reinhold), 289-311.
29. Owens, P.M., 2005, **Beyond Density: Measuring Neighborhood Form in New England's Upper Connecticut River Valley**, PhD Dissertation, University of California, Berkley.
30. Rapoport, A., 1990, **Vernacular Architecture**, in Turan M., (eds.), *Current Challenges in the Environmental Social Sciences*, Avebury, Aldershot, England.
31. Rezvani, M., 1997, **Studying Spatial-Locative Organization of Settlements and Optimizing it in Rural Areas, Sahrood County as the Case Study**, Human Geography Research Quarterly University of Tehran. (*in Persian*).
32. Rodrique, J. P., 2008, **Urban Land Use and Transportation**, Available at <http://people.hofstra.edu/geotrans/eng/ch6en/conc6en/ch6c2en.html> (accessed 21 April 2008).
33. Sabri, R.S., Falah, M., 2007, **Modern Design of Tourism Structure in Rural-urban, Farahzad Rural-Urban as the Case Study**, Journal of Housing and Revolution, Vol. 26, No. 120, PP. 47-61.
34. Saeedi, A., 2008, **Encyclopedia of Urban and Rural Management**, Municipalities of Nation (Iran), Tehran. (*In Persian*)
35. Shakoie, H., 2001, **New Approaches in Urban Geography**, Publish by SAMT, Tehran. (*in Persian*)
36. Stanilov, K., 2009, **Typo-Morphology an Object-Based Automat: Methodological Advances towards a More Accurate Modeling of Urban Growth Patterns**, Center for Advanced Spatial Analysis, University Colledge, London.
37. Tavassoli, M, 2009, **Urban Design, the Art of Renovating Urban Structure**, the House of Print and Design, Tehran. (*in Persian*)
38. Taylor, N., 1973, **The Village in the City London: Temple Smith**, the University of California, United States.
39. The Encyclopedia Britannica, 1984, **the New Encyclopedia Britannica**, Edinburgh.

40. The World Bank, 2000, **Urban Forum, Urban Poverty Reduction in the 21st Century**, April.
41. Aldous, T., 1992, **Urban Villages: a Concept for Creating Mixed-use Urban Developments on a Sustainable Scale**, Urban Villages Group, London.
42. Walker, R., 2001, **Urban Sprawl and Natural Areas Encroachment: Linking Land Cover Change and Economic Development in the Florida Everglades**, *Ecological Economics*, Vol. 37, No. 3, PP. 357-369.

